

بررسی تطبیقی امثال و مثل‌نماهای عربی و کردی در مجمع‌الأمثال میدانی با پهنندی پیشینیان ملّا غفور دباغی

مهرداد آقائی^۱ (نویسندهٔ مسؤول)؛ طاهر قاسمی^۲

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۲۷ مرداد ۱۳۹۹؛ تاریخ پذیرش: ۲۴ بهمن ۱۳۹۹؛ صص. ۳۵-۴۷

DOI: <https://www.doi.org/10.34785/J013.2020.250>

چکیده

مثل یا همان ضرب‌المثل، یکی از قدیمی‌ترین گونه‌های ادبی شناخته شده است که از اجداد و نیاکان، سینه به سینه و بدون هیچ‌گونه دخل و تصرفی به ما رسیده است. گنجینهٔ امثال زبان‌های عربی و کردی، سرشار از اصول اخلاقی و مبانی معرفتی بوده و برتابندهٔ آداب و رسوم این دو ملت است و می‌توان غنای فرهنگی و علمی را در ضرب‌المثل‌های این دو زبان شاهد بود. تأثیر و تأثر میان دو ملت عرب و کرد، در حوزه‌های مختلف، به‌ویژه در حوزه‌ی ادبیات شفاهی (امثال و حکم) به وضوح به چشم می‌خورد. ابوالفضل میدانی، ادیب و لغوی و نحوی مشهور قرن پنجم و آغاز قرن ششم هجری نویسندهٔ کتاب *مجمع‌الأمثال* عربی است. ملّا غفور دباغی ادیب معاصر کرد نیز نویسندهٔ کتاب مشهور *پهنندی پیشینیان* کردی است. این پژوهش درصدد است با مطالعه ضرب‌المثل‌های عربی و کردی دو کتاب ارزشمند *مجمع‌الأمثال* و *پهنندی پیشینیان* اشتراکات و تفاوت‌های امثال را در این دو کتاب بیان کند. پژوهش حاضر با روش تحلیلی-توصیفی و با رویکرد تطبیقی به مقایسهٔ برخی از ضرب‌المثل‌های عربی و کردی از نظر محتوا و مضمون پرداخته و نشان داده است این امثال، به دلیل اشتراکات فرهنگی، تجربه‌های مشترک دو ملت، نزدیکی جغرافیایی و شیوهٔ زندگی، دارای مضامین بسیار نزدیک به هم بوده‌اند که می‌تواند نشان از تأثیرپذیری زبان و ادبیات کردی از زبان و ادبیات عربی باشد.

پوخته

پهنندیان پهنندی پیشینیان، به یه‌یک له کونترین جوره‌کانی ته‌دهب دانراوه که له باوان و باپیران، سینگ به سینگ بی هیچ گورانکاریه‌ک به نیمه گیشتووه. خه‌زینته‌ی پهنده‌کانی عه‌ره‌بی و کوردی پرن له بنه‌واش‌ه‌ی ره‌وشتی و بنه‌مای مه‌عرفی و نویته‌ری داب‌ونه‌ریتی هم دوو نه‌ته‌وه‌به‌ن و ده‌توانین ده‌وله‌مه‌ندی فه‌ره‌نگی و زانستی له پهنده‌کانی هم دوو زمانه‌دا ببینین. هم کاریگه‌ری‌دانان و کاریگه‌ری‌وه‌رگرتنه‌ی دوو نه‌ته‌وه‌ی عه‌ره‌ب و کورد، له بواره جوراوجوره‌کان و به تاییه‌ت له ته‌ده‌بی زاره‌کید، به روونی ده‌بیریت. ته‌بولفه‌زلی مه‌یدانی، ویژه‌وان و زمانزانی ناسراوی سه‌ده‌ی پینج و سه‌ره‌تای سه‌ده‌ی شه‌شه‌می کوچی مانگی، نووسه‌ری کتیبی مه‌جمه‌عه‌لته‌مسال-ی عه‌ره‌بیه. مه‌لا غه‌فوور ده‌بیاغی ویژه‌وانی هاوچه‌رخ‌ی کورد، نووسه‌ری کتیبی به‌ناوبانگ و هه‌رمانی پهنندی پیشینیانه. هم توپزیننه‌ویه هه‌ول‌ده‌دات به خویندنه‌وه‌ی پهنده عه‌ره‌بی و کوردیه‌کان له دوو کتیبی به‌نرخ‌ی مه‌جمه‌عه‌لته‌مسال و پهنندی پیشینیان‌دا، ویکچووپی و جیاوازی هم پهنده‌ده‌ریخات. وتاری به‌رده‌ست به میتودی وه‌سفی-شیکارانه و به بوچوونی به‌راوردکارانه هیندیک له پهنده عه‌ره‌بی و کوردیه‌کانی له باری ناوه‌رؤکه‌وه هه‌لسه‌نگاندووه و نیشانی داوه که هم پهنده‌کانی به هوی نزیکیی دؤخی کومه‌لایه‌تی و ته‌زموونی هاوشیوه‌ی هم دوو نه‌ته‌وه‌یه و هه‌روه‌ها له‌به‌ر نزیکیی سنووری جوگرافیایی و شیوازی ژیان، له پرووی واتا و ناوه‌رؤکه‌وه زور له یه‌ک نزیکن و هه‌روه‌هاش ده‌توانی پیشانده‌ری کاریگه‌ریی زمان و ته‌ده‌بی عه‌ره‌بی له‌سه‌ر زمان و ویژه‌ی کوردی بیت.

وشه‌گه‌لی سه‌ره‌کی: ته‌ده‌بی به‌راوردکارانه؛ پهنندی عه‌ره‌بی؛ پهنندی کوردی؛ مه‌یدانی؛ مه‌لا غه‌فوور ده‌بیاغی؛ پهنندی پیشینیان؛ مه‌جمه‌عه‌لته‌مسال.

واژگان کلیدی: ادبیات تطبیقی؛ امثال عربی؛ پند کردی؛ میدانی؛ ملا غفور دباغی؛ پهنندی پیشینیان؛ مجمع‌الأمثال.

۱- مقدمه

ضرب‌المثل از نظر تعریف و تبیین جزء بهترین و موثرترین نوع ادبی محسوب می‌شود؛ به همین دلیل مردم از مثل‌ها با گرمی استقبال می‌کنند. از گذشته مثل نقش مهمی در ساختار فرهنگ و ادب و هنر انسان‌ها داشته است. همان‌گونه که در ادبیات عربی و ادبیات کردی شاهد حضور پررنگ و تأثیرگذاری از مثل در فرهنگ و ادبیات عرب‌ها و کردها هستیم. ادبیات تطبیقی، به عنوان شاخه‌ای مهم از ادبیات به مقایسه‌ی ادبیات ملل مختلف جهان و شناخت تأثیر و تأثر آن‌ها بر همدیگر و بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌های آن‌ها می‌پردازد؛ با این هدف که ادبیات ملت‌ها را به هم نزدیک کند. کوتاه سخن اینکه ادبیات تطبیقی در پی آن است که بین پدیده‌ها و متون ادبی پیوندی برقرار کند، جدای از اینکه این پدیده‌ها از هم دور باشند، یا از لحاظ زمانی و مکانی به هم نزدیک و مرتبط باشند و هدف آن شناخت و تبیین این پدیده‌هاست. این تأثیرات در میان دو ملت عرب و کرد به ویژه در فرهنگ شفاهی و ادبیات عامه (امثال و حکم) بیشتر به چشم می‌خورد. تأثیرپذیری زبان و ادبیات کردی از زبان و ادبیات عربی به دلیل فرهنگ اسلامی و گسترش اسلام به مناطق کردنشین و تلاش برای یادگیری قرآن و زبان عربی و احادیث شریف پیامبر (ص) نقش به‌سزایی در رشد و بالندگی ادبیات و زبان کردی داشته است. همین امر باعث شده است که تألیفات فراوان و ترجمه‌های زیادی از کتاب‌های عربی به زبان کردی صورت بگیرد. سرودن اشعار عربی توسط شاعران کرد و نوشتن متون تاریخی، ادبی، فرهنگی، سیاسی و دینی از جمله‌ی این تأثیرات است. در حقیقت مثل‌ها، نه تنها در کلام مردم عامه بلکه در جای جای کلام اندیشمندان، سخنوران، فیلسوفان، شاعران و ادبا، به عنوان بهترین ابزار تعلیم و تفهیم مسائل پندی و اندرزی و چاشنی کلام و استحکام نیروی استدلال در تمام دوره‌های ادبی رایج بوده است.

۱-۱- اهمیت و ضرورت پژوهش

وجود امثال مشترک بین ملت‌ها، بیانگر تجربه‌ی مشترک آن‌ها است. با توجه به این که مردم ضرب‌المثل‌ها را به عنوان برهان و حجتی در سخنان خود به کار می‌برند، این پژوهش می‌تواند به شناخت بیشتر اشتراکات فرهنگی این دو زبان بینجامد و باعث فراهم نمودن زمینه‌ی تفهیم و تفاهم بیشتر به ایجاد همبستگی ملت‌ها و وفاق ملی کمک خواهد کرد. مثل‌ها بخشی از فولکلور و ادبیات عامه ما را تشکیل می‌دهند. یادگیری و شناخت هرچه بهتر آن‌ها باعث بهبود روابط انسانی و سازش بین ملل می‌شود. بی‌شک امثال و حکم را می‌توان انعکاسی از روحيات، طرز تفکر، نگرش و باورهای یک قوم نسبت به محیط اجتماعی و فرهنگی خویش دانست. از سوی دیگر مقایسه‌ی تطبیقی بین امثال این دو زبان باعث سوق دادن علاقمندان ادبیات تطبیقی به کارهای دیگری در زمینه‌ی ترانه‌های عامیانه، شعر، موسیقی، داستان و موارد دیگری می‌شود که منجر به ایجاد اشتراکات فرهنگی و تعامل و سازش ملت‌ها با یکدیگر می‌گردد.

۱-۲- اهداف پژوهش

هدف از این پژوهش رسیدن به:

- اشتراکات فرهنگی و بهبود تعاملات ارتباطی و تفهیم و تفاهم میان اقوام.
- شناساندن دو کتاب مرجع و مهم در حوزه‌ی امثال و حکم عربی و کردی.
- تلاش برای یافتن مضرب و معادل‌های لفظی و معنوی در میان امثال و حکم.

- راهگشایی برای تسهیل متون ادبی و کمک به ترجمه‌ی اصطلاحات و امثال عربی به کردی و یا کردی به عربی.
- آشنایی با امثال و حکم و جنبه‌ی اندرزی آن‌ها و این امر که سرچشمه‌ی این امثال پیشینیان بوده‌اند.
- آشنایی با عواطف و احساسات گذشتگان و نیز شناخت قوانین و ارزش‌های اخلاقی آن زمان.

۱-۳- پرسش‌های پژوهش

- ۱- میزان تأثیرپذیری ضرب‌المثل‌های کردی از عربی و بالعکس و شباهت و تفاوت آن‌ها باهم چقدر بوده است؟
- ۲- تجربه‌ی مشترک و اتفاق‌های مشابه تا چه حدی در خلق امثال و حکم مشابه نقش داشته است؟
- ۳- شباهت‌های معنایی امثال و حکم بیشتر است یا شباهت‌های لفظی و اصطلاحی؟
- ۴- تا چه اندازه ضرب‌المثل‌ها و حکمت‌های هر قومی باعث بهبود روابط انسانی و فرهنگی- ادبی آن اقوام می‌شود؟

۱-۴- پیشینه‌ی پژوهش

در زمینه‌ی بررسی تطبیقی ضرب‌المثل‌های عربی و کردی به صورت کلی و سطحی برخی کارهای پژوهشی انجام شده است، ولی به صورت دقیق و جزئی که بر روی منبع خاصی چون دو کتاب *مجمع الأمثال* و *پهنندی پیشینیان* کار شده باشد، تحقیقی انجام نشده است، به مواردی مشابه و مرتبط اشاره می‌کنیم:

۱- پایان‌نامه‌ای با عنوان «بررسی تطبیقی امثال عربی و کردی» (۱۳۹۱) نوشته‌ی نادر مصطفائی‌راد، با راهنمایی دکتر عبدالله رسول نژاد و مشاوره‌ی دکتر سید احمد پارسا در دانشگاه کردستان کار شده است. در این پایان‌نامه ابتدا به بررسی و تحلیل مثل، معانی لغوی و اصطلاحی آن در هر دو زبان، تقسیم بندی‌های مثل بر اساس فاکتورهای مختلفی چون زمان، پیدایش و ویژگی پرداخته شده است. سپس ویژگی‌ها و فواید آن و نیز تفاوت آن با دیگر گونه‌های مشابه چون حکمت، کنایه، مثل‌نما و اصطلاح سنتی در هر دو زبان عربی و کردی ذکر شده است و در فصل اصلی به تطبیق تعدادی از امثال عربی و کردی در دو بخش جداگانه می‌پردازد. در بخش اول، امثالی را که از نظر لفظ و مفهوم مطابقت دارند آورده شده است. در بخش دیگر، امثالی که تنها از نظر مفهوم مطابق هستند آورده شده است و برای هر کدام از آن‌ها تا حد امکان، معادل فارسی نیز ذکر گردیده است. سپس جهت تبیین برخی امثال و کمک به فهم آن‌ها، تا حدودی به ذکر کاربرد و ریشه‌ی آن‌ها اشاره شده است.

۲- کتابی تحت عنوان *گلشن* (۱۹۶۹) که حاوی ۱۰۰۱ پند کردی است توسط عثمان شاربازی‌پیری نوشته شده و آن‌ها را با امثال عربی، فرانسوی، ترکی و انگلیسی تطبیق داده است. ایشان امثال عامیانه را مورد توجه خود قرار داده و به امثال فصیح که در ادبیات پیشین به کار برده می‌شد توجهی نکرده و به شرح و تفسیر، بیان شباهت و تفاوت و تاثیر و تاثر نپرداخته‌اند و نیز از کتاب‌های مهم و مرجع و دسته اول استفاده نکرده‌اند.

۳- کتابی تحت عنوان *المثل المقارن* (۱۹۸۳) از سوی کریم شاره‌زا نوشته شده است. مؤلف در این کتاب به تطبیق تعدادی امثال انگلیسی و عربی و کردی پرداخته است. امثال عربی که ایشان آورده بیشتر عامیانه بوده و مربوط به مردمان عراق است. کار ایشان بیشتر مربوط به امثال کردی کرمانجی است و از کتاب‌های اصیل و مهم استفاده نکرده است. تطبیق ایشان بدون شرح و بسط و ذکر منابع است.

۴- کتابی تحت عنوان *بعض الشائع من المثل الکردی العربی المقارن* (۲۰۰۸) از سوی احمد جزراوی نوشته شده است. منبع اصلی امثال عربی وی *الامثال البغدادیة* نوشته‌ی الشیخ جلال الحنفی است. این امثال عامیانه بوده

این امثال عامیانه بوده و به امثال کُردی گورانی، ایزدی و بارزانی اشاره کرده؛ ولی از امثال سورانی و مکربانی استفاده نکرده است. در واقع باید گفت کار ایشان تطبیق امثال عامیانه عربی با امثال عامیانه‌ی کُردی است. وی به کاربرد امثال اشاره نکرده و برای تطبیق برخی از امثال، ذکر ریشه‌ی آن‌ها ضروری به نظر می‌رسید که مؤلف این کار را انجام نداده است.

۲- تطبیق امثال در مجمع‌الأمثال و پهن‌دی پیشینیان

مضامین مشترک بسیاری در امثال و حکم عربی و کُردی وجود دارد. امثال و حکم از گذشته‌های بسیار دور مورد توجه اهل حکمت و دانش و همچنین عامه‌ی مردم بوده است. از جمله مضامین مشترک در این دو قلمرو ادبی وجود امثال و حکم مشابه در متون نظم و نثر عربی و کُردی است و شاعران کُرد در سطح وسیعی از مضامین عربی و آموزه‌های قرآن و حدیث و کلام بزرگان تأثیر پذیرفته‌اند. وجود مضامین مشترک در امثال و حکم مختص ادبیات کُردی عربی نیست، بلکه بسیاری از این معانی مشترک در ادبیات ملل مختلف جهان دیده می‌شود. از طرفی با شناخت امثال و حکم وسیله‌ی مناسبی در دست است تا نسبت به کالبد شکافی سلوک زندگی و طرز فکر و عقاید پیشینیان اقدام کنیم؛ حتی امثال و حکم در این زمینه مطمئن‌تر از کتیبه‌های تاریخی و آثار مکتوب تاریخی است. مثل‌ها خلاصه‌ی فلسفه و عقیده و بینش مردم است، عصاره‌ی آداب و رسوم در طی سالیان گذشته‌ی مردمان است. اوضاع تاریخی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و معیشتی در امثال نمایان است. با مقایسه‌ی تطبیقی این امثال درمی‌یابیم که ادبیات کُردی تا حدودی از ادبیات عربی تأثیر پذیرفته است و آن هم به دلیل فرهنگ اسلامی و آموزه‌های دینی و تسلط کامل ادیبان کُرد به ادبیات عرب و نوشتن کتاب‌ها و آثاری در حوزه‌های متفاوت ادبیات است. در این پژوهش به بررسی مقایسه‌ای برخی از موارد مشترک بین امثال زبان عربی و زبان کُردی می‌پردازیم:

۱- ما کلُّ بَارِقَةٍ تَجُودُ بِمَائِهَا (میدانی، ۲۰۰۳، ج ۲: ۳۴۰).

- له هه‌موو هه‌وَرِیک باران ناباری (زارعی، ۲۰۱۰: ۵۰۳).

- فام و شعوروت بی تین و هیژه/ هه‌ر شتییک خر بوو وه‌بزانی گوژنه (دباغی، ۱۳۹۴: ۷۰).

- هه‌رچی سمیل سوور بوو، هه‌مزاعا نییه (دباغی، ۱۳۹۴: ۷۰).

شرح و تحلیل: این امثال به این موضوع اشاره دارند که به هر چیزی که اتفاق می‌افتد نباید حکم همان اتفاق قبلی را داد، مثلاً هر گردی گردو نیست، کره‌ی زمین، توپ و ... گرد هستند؛ اما گردو نیستند. این امثال از لحاظ الفاظ با هم شباهت دارند، اختلاف کمی در متعلقات فعل دارند، اما از لحاظ معنا و مفهوم کاملاً مشابه هستند. در زبان عربی اشاره دارد که هر رعد و برقی، باعث باران باریدن نمی‌شود و در زبان کُردی اشاره دارد به این مفهوم که از هر ابری، باران نمی‌بارد.

۲- مَا حَكَّ ظَهْرِي مِثْلُ يَدِي (میدانی، ۲۰۰۳، ج ۲: ۲۹۷).

- دهستی که س پشتی که س ناخوری (زارعی، ۲۰۱۰: ۲۸۱).

- مریشک بوخوی وه سهر نه کا خوّل/ ناکری به سهریا به هیچ شان و قوّل (دباغی، ۱۳۹۴: ۱۴).

- هه‌ر چی خوّت نه‌یکه‌ی بی سووده کاکه/ به دهستی خه‌لکی مار بگری چاکه (همان، ۱۳۹۴: ۱۰).

شرح و تحلیل: این امثال به این موضوع اشاره دارند که هر کاری که انسان می‌خواهد برای خودش انجام بدهد، باید خودش انجام بدهد، نه اینکه مردم برای او انجام بدهند، پس انسان خودش باید کارهای خودش را انجام بدهد. این امثال از لحاظ الفاظ و معنا و مفهوم، کاملاً مشابه هستند. در زبان عربی اشاره دارد که هیچ چیزی مانند ناخن‌های خودم، پشتم را نمی‌خاراند و در زبان کردی اشاره دارد که دست هیچ کس، پشت دیگری را نمی‌خاراند؛ یعنی هر کاری که باید انجام بشود، باید خودم برای خودم انجام بدهم و در انتظار کسی نباشم.

۳- ما الذُّبَابُ وَ مَا مَرَقْتُهُ؟ (میدانی، ۲۰۰۳، ج ۲: ۲۹۷).

- میرو چی و سهر و پیچی چ بی (زارعی، ۲۰۱۰: ۵۴۶).

- چۆله که خۆت چی و گوشتاوت چی (همان، ۲۰۱۰: ۲۲۱).

- چۆله که خۆی چی و شوڤباوی چی بی (همان، ۲۰۱۰: ۲۲۱).

شرح و تحلیل: این امثال به این موضوع اشاره دارند که: انتظار بزرگی از چیز حقیری نباید داشته باشی. در باب حقیر و ناچیز شمردن چیزی گفته می‌شود. این امثال از لحاظ الفاظ، شباهت چندانی با هم ندارند، اما از لحاظ معنا و مفهوم، به درستی به هم شباهت دارند. این مثل در زبان عربی به این مفهوم اشاره دارد که: مگس چیست که آنگوشتش باشد؟ در زبان کردی به این مفهوم اشاره دارد که: گنجشک چیست تا آنگوشتش چه باشد.

۴- ما بَقَى مِنَ اللَّصِّ أَخَذَهُ الْعَرَّافُ (میدانی، ۲۰۰۳، ج ۲: ۳۴۱).

- مَالْ بِي خاوَن بوو، دز خاوَن ماله/ چی له دز ماوه، به شی رهماله (دهباغی، ۱۳۹۴: ۳۵۹).

- هەرچی له دز بمینیتته، رهمال دهیبا (خال، ۴۸۶).

شرح و تحلیل: این امثال به این موضوع اشاره دارند که: هر چه در نزدش بود، با اختیار و با اجبار از دستشان داد. هیچی دم دست ندارد. این امثال از لحاظ الفاظ و معنا و مفهوم کاملاً دارای یک معنا و مفهوم هستند. در زبان عربی اشاره دارد که: هر چه از دزد ماند، فالگیر برد و همین مثل در زبان کردی با همین الفاظ و معنا و مفهوم اشاره شده است.

۵- مَنْ أَتَكَلَّ عَلَى زَادٍ غَيْرِهِ طَالَ جُوعُهُ (میدانی، ۲۰۰۳، ج ۳: ۳۴۱).

- له بی تویشوویی بوئه ترسیتی/ به تویشووی خه لکی ناشکی برسیتی (دهباغی، ۱۳۹۴: ۴۳۰).

- تووشه‌ی خه لکی برسیتی ناشکینی (زارعی، ۲۰۱۰: ۱۹۳).

- ئە گەر به ته‌مای جیرانان بی بی شیو سهر دهنیه‌وه (همان، ۲۰۱۰: ۴۰).

- هەر کەس به ته‌مای مامۆ و خالۆ بی/ ئیواری بی نان سوچیش بی دۆ بی

- به قهول و قه‌رار قهت مه‌خۆ فریو/ به هیوای جیران ویشکه تیکوشیو (دهباغی، ۱۳۹۴: ۱).

- هەرچی خۆت نه‌یکه‌ی بی سووده کاکه/ به دهستی خه لکی مار بگری چاکه (همان، ۱۳۹۴: ۱).

- هەر کەسێ چاوه‌روانی تیشووی خه لک بی له برسان دهرمی (خال، ۲۰۰۰: 493).

شرح و تحلیل: این امثال در کل به این موضوع اشاره دارند که: هر کس باید خودش به فکر خویش باشد و امید به هیچ کسی نبندد و با سعی و تلاش خود راه‌های موفقیت را کسب کند و به کسی امید نداشته باشد. این امثال از لحاظ الفاظ تا حدودی به هم شباهت دارند، اما از لحاظ معنا و مفهوم کاملاً به هم شباهت دارند. در زبان عربی اشاره دارد که: هر کس که به توشه و آذوقه‌ی دیگران اعتماد کند، گرسنگی‌اش طولانی می‌شود و در زبان کردی اشاره دارد که: آذوقه‌ی دیگران رفع گرسنگی نمی‌کند و نباید به آن دل بست

۶- ما يَعْرِفُ هِرّاً مِنْ بَرٍّ/ ما يعرف قطاته من لطاته (میدانی، ۲۰۰۳، ج ۲: ۲۸۰).

- هه‌ره له بره ناکاته‌وه (زارعی، ۶۰۹).

- پیاو و بۆره‌پیواو حی نه‌که‌ی کامه/ دیاره گا به گون دهناسی مامه (ده‌بیاغی، ۱۳۹۴: ۷۸)

شرح و تحلیل: این امثال در مورد آدم احمق زده می‌شود که توانایی تشخیص هیچ چیزی را ندارد. این امثال هم از لحاظ الفاظ و هم از لحاظ معنا و مفهوم دارای یک معنا و مفهوم هستند. در زبان عربی اشاره دارد که: هرّ را از برّ تشخیص نمی‌دهد، کفلش را از پیشانی‌ش تشخیص نمی‌دهد و در زبان کردی هم، به همین تعبیر با همین الفاظ و معنا و مفهوم اشاره شده است.

۷- مَنْ حَفَرَ مَعْوَاةً وَقَعَ فِيهَا (میدانی، ۲۰۰۳، ج ۲: ۳۰۹).

- هه‌ر که‌سی چال بۆ یه‌کینک هه‌لکه‌نی، خۆی تینه‌که‌وی (زارعی، ۲۰۱۰: ۶۰۶).

- کئی چالئی هه‌لکه‌ند بۆ مه‌خلووقی خوا/ خۆی تینه‌که‌وی به‌ ته‌وفیقی خوا (ده‌بیاغی، ۱۳۹۴: ۱۶).

شرح و تحلیل: این امثال به این موضوع اشاره دارند که هر کار بدی را انجام بدهی، اول خودت دچار می‌شوی و اگر در فکر بدی به مردم باشی، خودت اولین نفر هستی که دچار بدی می‌شوی. این امثال هم از لحاظ الفاظ و هم از لحاظ معنا و مفهوم در کل به هم شباهت دارند. در زبان عربی به این نکته اشاره دارد که: هر کس چاله‌ای را بکند، خودش در آن می‌افتد. در زبان کردی هم این مثل با همین الفاظ و معنا و مفهوم اشاره شده است.

۸- مِنْكَ أَنْفُكَ وَإِنْ كَانَ أَجْدَعُ/ منک ریضک و إن کان سماراً/ أنفک منک و إن کان أذنّ

(میدانی، ۲۰۰۳، ج ۲: ۱۳۸۶).

- لووت، لووتی خۆته، هه‌ر چه‌ند چلمن بی (زارعی، ۲۰۱۰: ۵۰۷).

شرح و تحلیل: این امثال به این موضوع اشاره دارند: هر کاری که انجام گرفته چه خوب و چه بد، وبال خود شخص انجام دهنده است. این مثل در مورد آدمی گفته می‌شود که گرچه نسبت به خویشاندی خیلی نزدیکی با تو ندارد، اما خیر و شرش به تو می‌رسد. این امثال از لحاظ الفاظ تا حدودی به هم شباهت دارند، اما از لحاظ معنا و مفهوم کاملاً به هم شباهت دارند. در زبان عربی اشاره دارد که: بینیت متعلق به خودت است اگر چه بریده باشد/ شیرت متعلق به تو است، اگرچه رقیق و آمیخته با آب باشد، و در زبان کردی اشاره دارد که: بینی، بینی خودت است هر چند که آب بینی زیادی داشته باشد.

۹- الْمَوْتُ فِي الْجَمَاعَةِ طَيِّبٌ (میدانی، ۲۰۰۳، ج ۲: ۲۳۴).

- البلاء إذا عام، طاب. البلیة إذا عامت طاب. الشّرّ خیر إذا کان مُشْتَرِکاً (میدانی، ۲۰۰۳، ج ۱: ۴۰۰).

- ئاوالم وه‌کوو من تووشی شه‌ر بی/ ئەمن که‌ ته‌ر بووم، هه‌موو که‌س ته‌ر بی (ده‌بیاغی، ۱۳۹۴: ۵۱۷).

- مه‌رگ له‌ گه‌ل ه‌او‌الان جه‌ژنه (زارعی، ۲۰۱۰: ۵۲۶).

شرح و تحلیل: این امثال به این موضوع اشاره دارند که: بلا و مصیبت اگر برای همه باشد، دلکش است، چون مردم رشک نمی‌ورزند که چرا بلا تنها سر من آمد ولیکن سر همسایه‌ام نیامد. این امثال از لحاظ الفاظ و معنا با هم شباهت کامل دارند. در زبان عربی اشاره دارد که: مرگ که همه گیر شود، دلپذیر است و در زبان کردی به این نکته اشاره دارد که: مرگ با دوستان بسان جشن است.

۱۰- مَنْ نَهَشَتْهُ الْحَيَّةُ حَذَرَ الرَّسَنِ الْأَبْلَقِ / إِنَّ اللَّسِيْعَ لِحَذَرٍ مَتَوَجَّسٍ / يَخْشَى وَ يَرْهَبُ كُلَّ حَبْلٍ أَبْلَقٍ (میدانی، ۲۰۰۳، ج ۲: ۳۳۰).

- قه‌دیمی ده‌لین به خۆ مه‌نازن/ ئەوی دلخوازن، هەر مارانگازان (ده‌باغی، ۱۳۹۴: ۶۴).
- ئەوی دەمی بە شیر سووتایە، فوو له دۆش دەکا.
- ماران‌گاز له خشە‌ی مار و میروو دەترسی (زارعی، ۲۰۱۰: ۵۱۲).
- ماران‌گاز له گوریسی رەش ئەسلە‌میته‌وه (زارعی، ۲۰۱۰: ۵۱۲).

شرح و تحلیل: این امثال به این موضوع اشاره دارند که: انسان اگر اتفاقی برایش بیفتد، هر لحظه‌ای که چیزی شبیه آن ببیند احساس ترس می‌کند و فکر می‌کند که همان اتفاق تکرار می‌شود. این امثال از نظر الفاظ و معنا کاملاً به هم شباهت دارند. در زبان عربی این مثل به این نکته اشاره دارد که: مار گزیده از ریسمان سیاه و سفید می‌ترسد، در زبان کردی هم با همین تعبیر و الفاظ و معنا و مفهوم به همین نکته اخلاقی اشاره شده است.

۱۱- وَجَدَانُ الرَّقِيقِ يُعْطَى أَفْنَ الْأَفِينِ. (میدانی، ۲۰۰۳، ج ۲: ۳۸۱).

- ده‌وله‌مندی هه‌موو عه‌بیپک داده‌پۆشی (زارعی، ۲۰۱۰: ۲۹۰).
- ده‌لین هەر شتیپک کابان بیشکینی / ده‌نگیشی نایه، گوئی نابزۆینی (ده‌باغی، ۱۳۹۴: ۱۸).

شرح و تحلیل: این امثال به این موضوع اشاره دارند که: در باب مزیت ثروت و دارایی نقل شده است اگر انسان ثروت و پول داشته باشد، هر عیبی داشته باشد و یا هر کار زشتی را مرتکب شود، ثروت و شهرتش آن‌ها را پنهان نگه می‌دارد، پول عیب آدم‌های پول‌دار را می‌پوشاند. این امثال از لحاظ الفاظ، شباهت چندانی با هم ندارند، اما از لحاظ معنا و مفهوم کاملاً شبیه هم هستند. این مثل در زبان عربی اشاره دارد که: توانگری بر حماقت احمق سرپوش می‌گذارد، در زبان کردی اشاره دارد که: ثروت، هر عیبی را می‌پوشاند.

۱۲- الْوَحْدَةُ خَيْرٌ مِنْ جَلِيسِ السَّوِّءِ (میدانی، ۲۰۰۳، ج ۲: ۳۸۰).

- هاوړئ گه‌لیکیان وه‌ک ماری سرن / رواله‌ت دۆست و له بنه‌وه برن (ده‌باغی، ۱۳۹۴: ۱۵).
- ته‌نیایی له ئاوه‌لی خراب باشتره (زارعی، ۲۰۱۰: ۱۸۶).

شرح و تحلیل: این امثال به این موضوع اشاره دارند: که تنهایی بهتر از همنشین بد است، چون اگر تنها باشی شاید کمتر به امورات شر بپردازی، ولی این که یک همنشین بد داشته باشی، روز به روز تو را به امور شر می‌کشاند. این امثال از لحاظ الفاظ و معنا و مفهوم کاملاً به هم شباهت دارند. در زبان عربی اشاره دارد که: تنهایی بهتر از همنشین بد است، همین تعبیر را در امثال کردی با همین الفاظ و معنا و مفهوم می‌بینیم.

۱۳- هَلْ يَنْهَضُ الْبَايِرُ بِغَيْرِ جَنَاحٍ؟ يَدُ الْوَاحِدَةِ لَا تَصْفِقُ (میدانی، ۲۰۰۳، ج ۲: ۴۱۹)

- کوتر به بالیپک هه‌ل نافرئ (زارعی، ۲۰۱۰: ۴۴۳).
- له باسی چاکه و خراپه کاکه / ده‌ستیپک به ته‌نیا ده‌نگی نیه کاکه (ده‌باغی، ۱۳۹۴: ۱۳)
- به دوو که‌س ده‌کرئ خراپه و چاکه / چه‌پله به ده‌ستیپک لی نادرئ کاکه (ده‌باغی، ۱۳۹۴: ۲۶)

شرح و تحلیل: این امثال در زبان عربی و کردی و فارسی به این موضوع اشاره دارند، که در باب ترغیب و تشویق به همکاری و همیاری گفته می‌شود. این امثال از لحاظ الفاظ شباهت چندانی به هم ندارند، اما از لحاظ معنا و

مفهوم کاملاً به هم شباهت دارند. در زبان عربی اشاره دارد که: آیا باز، بدون بال پرواز می‌کند؟ و در زبان کردی اشاره دارد که کیبوتر نمی‌تواند با یک بال پرواز کند.

۱۴- الهَوَى مِنَ النَّوَى / البعد والحبّ / زُرْ غَبّاً، تزدد حُبّاً (میدانی، ۲۰۰۳، ج ۲: ۴۳۲).

- بویه مه‌شهووری له بهر چاوان دووری / به واتهی دووری، تا دووری پووری (دهباغی، ۱۳۹۴: ۱۴۹).

- پیغه‌مبهر فهرمووی که‌متر هام‌وشو / بکه‌ی زیاد ده‌بی خوشه‌ویستی تو (دهباغی، ۱۳۹۴: ۱۲۱).

- دوور به و دوّست به (زارعی، ۲۰۱۰: ۳۰۷).

شرح و تحلیل: این امثال به این موضوع اشاره دارد که: عشق زاییده‌ی دوری است، و دوری، عشق را به بار می‌آورد، زیرا وقتی انسان هر روز دیده می‌شود، حقیر و ملال انگیز می‌شود. از این رو گفته می‌شود «اغترب تتجدد»: جلای وطن کن، تا رونق تازه یابی. از همین باب است «ربّ تأو یملّ منه السواء»: چه بسا ماندگاری که ماندنش ملال آور است (تروایده، ج ۴: ۴۰۹). این امثال از لحاظ الفاظ، تا حدوی به هم شباهت دارند، اما از لحاظ معنا و مفهوم کاملاً به هم شباهت دارند. در زبان عربی اشاره دارد که: عشق نتیجه‌ی دوری است / یک دست صدا ندارد، و در زبان کردی اشاره دارد که هر چند دور باشی محبوب‌تر هستی.

۱۵- يَشْجُ وَيَأْسُو (میدانی، ۲۰۰۳، ج ۲: ۴۳۲).

- زامداریش ده‌کات و تیماریش ده‌کات (زارعی، ۲۰۱۰: ۳۳۷).

شرح و تحلیل: این امثال در مورد آدمی به کار می‌رود که گاهی درست تدبیر و چاره‌اندیشی می‌کند، و گاهی اشتباه. این امثال از لحاظ الفاظ، شباهت چندانی با هم ندارند، اما از لحاظ معنا و مفهوم کاملاً به هم شباهت دارند. در زبان عربی اشاره دارد که: سر می‌شکند و مداوا می‌کند، و در زبان کردی اشاره دارد که: هم زخمی می‌کند و هم تیمار می‌کند.

۱۶- يُلْجَمُ الْفَأْرُ فِي بَيْتِهِ (میدانی، ۲۰۰۳، ج ۲: ۴۴۶).

- شتی ته‌ماح کار له کرین نایه / نه‌سپیی به نه‌سپه، گنجی به گایه (دهباغی، ۱۳۹۴: ۱۵).

- ئاو له دهستی ناتکی / گوو کولین / مورهبه له گوو گرتن.

- مشک له مالبیا کلکی چه‌ور نابی (زارعی، ۲۰۱۰: ۵۳۸).

- مشک له مالبی نان ناقرتینی.

شرح و تحلیل: این امثال به این موضوع اشاره دارند که: خسیس بودن یکی از صفات زشت انسان است که بسیاری از مردم دچار آن شده‌اند. این امثال از لحاظ الفاظ تا حدودی به هم شباهت دارند، اما از لحاظ الفاظ و معنا کاملاً به هم شباهت دارند. در زبان عربی اشاره دارد که: موش در خانه اش در لگام است (هیچی نیست تا آن را بخورد) و در زبان کردی اشاره دارد که: موش در خانه‌اش نمی‌تواند نان را تکه تکه بخورد، موش در خانه اش دمش چرب نمی‌شود.

۱۷- أَكِلُ لَحْمِي وَلَا أَدْعُهُ لِأَكْلٍ (میدانی، ۲۰۰۳، ج ۱: ۶۰).

- خزم گوشتت بخوا نئسقانت ناشکینی (زارعی، ۲۰۱۰: ۲۴۴).

- مه‌شهووره ده‌لین خزم به ددان / گوشتتیش بخوا ناشکینی ئیسقان (دهباغی، ۱۳۹۴: ۱۲).

- پیاو له خزمی پیاو، نوشوست نابینی / گوشت نه‌با و ئیسقان ناشکینی (پیره‌میرد: ۲۲۵).

شرح و تحلیل: این امثال به این موضوع اشاره دارند که: فامیل و آشنایان هر چند با انسان بدی کنند، ولی حد و مرز خود را دارد، ولی دیگران اگر بخواهند بدی کنند هیچ حد و مرزی ندارد. این امثال از لحاظ الفاظ هیچ شباهتی به هم ندارند، اما از لحاظ معنا و مفهوم کاملاً به هم شباهت دارند. در زبان عربی اشاره دارد که: گوشت تنم را می خورم، اما آن را به فرد دیگری نمی‌دهم، در زبان کردی اشاره دارد که فامیل اگر گوشت انسان را هم بخورد، ولی استخوان را نمی‌شکند.

۱۸- أبغض بغیضک هوناً ما (میدانی، ۲۰۰۳، ج ۱: ۱۲۴).

- کاتیک جه‌نگیت، ناشتیت له‌بیر بیت (زارعی، ۲۰۱۰: ۴۱۲).

- هیدی به تا خوین دهبزوی له ره‌گ/ له قه‌دیمه‌وه، شه‌ر هاتووه بو سه‌گ

- شه‌ر ئیراده بهو سه‌ر و سمیله‌وه/ که تووش بووی ریگه‌ی ناشتی بیله‌وه (ده‌بباغی، ۱۳۹۴: ۴۴).

- له‌گه‌ل که‌سه‌ی بووی تووشی دهم قه‌ر/ کارت به په‌رده‌ی نه‌بی مه‌یدره

- بو‌یه پی‌ت ده‌لیم مه‌دره په‌رده‌ی که‌س/ خو‌ت له ژیر په‌رده‌ی عیب و عارت هه‌س (ده‌بباغی، ۱۳۹۴).

شرح و تحلیل: این امثال به این موضوع اشاره دارد که: انسان باید همیشه در هر کاری معتدل باشد و جانب متعادل را نگه دارد. این امثال از لحاظ الفاظ تا حدودی به هم شباهت دارند، اما از لحاظ معنا و مفهوم کاملاً مشابه و هم معنا هستند. در زبان عربی اشاره دارد که: دشمنت را به اندازه مورد دشمنی قرار بده و دوستت را به اندازه مورد دوستی قرار بده، در زبان کردی اشاره دارد، وقتی با کسی درگیر شدی راه صلح و آشتی را بگذار، در دعوا هم دست آشتی را نگه دار.

۱۹- أترک الشّر یترکک (میدانی، ۲۰۰۳، ج ۱: ۱۵۶).

- نه‌گه‌ر نات خوری تو بنی رانی/ چت داوه له ماندوو نه‌بینی شوانی (ده‌بباغی، ۱۳۹۴: ۳۹).

- نه‌گالته کردن قه‌ت به کلکی شیر/ نه پال دانه‌وه به‌دهمی شمشیر (همان، ۱۳۹۴: ۷۶).

- سه‌گی نوستوه به خه‌به‌ر مه‌هینه (زارعی، ۲۰۱۰: ۳۶۱).

- گوئی بگره‌په‌ندی هه‌موو که‌س بیستوو/ رامه په‌رینه قه‌ت سه‌گی نوستوو (ده‌بباغی، ۱۳۹۴: ۷۴).

شرح و تحلیل: این امثال به این موضوع اشاره دارند که: هر کس خود را در معرض شر قرار دهد، دچارش می‌شود. پس باید از آن دوری کرد. این امثال از لحاظ الفاظ، با هم شباهت ندارند، اما از لحاظ معنا و مفهوم کاملاً به هم دیگر شباهت دارند. در زبان عربی اشاره دارد که: شر را ول کن، تو را ول می‌کند، در زبان کردی اشاره دارد که هیچ وقت سگ خوابیده را ناگهانی از خواب بیدار مکن، چون احتمال حمله کردن را دارد.

۲۰- أحشک وتروثنی؟ (میدانی، ۲۰۰۳، ج ۱: ۲۲۲).

- نمه‌ک نه‌خوا و نمه‌کدان نه‌شکیننی (زارعی، ۲۰۱۰: ۵۷۰).

- نان خوری سفره‌دره (هه‌مان: ۵۵۳).

- ناوت خوارده‌وه جاریک له کانی/ به‌ردی تی مه‌خه خو تو ئینسانی (ده‌بباغی، ۱۳۹۴: ۴۲).

- له‌گه‌ل کی خواردت چایه‌کی تالی/ خه‌یانه‌ت مه‌که به مال و حالی (ده‌بباغی، ۱۳۹۴: ۷).

- ناندین کون مه‌که لی‌ت خواردیی نان/ چی‌ژه‌ت له خوی کرد، مه‌شکینه خویدان (هه‌مان، ۱۳۹۴: ۵۴).

شرح و تحلیل: این امثال به این موضوع اشاره دارند که: انسان از هر کسی که مورد رحمت و شفقت واقع شود، نباید تا قام قیامت آن را فراموش کند، نیکی‌ها را نباید هیچ وقت فراموش کنیم.

این مثل در مورد کسی که نسبت به نیکی و لطف انسان، نمک‌شناسی و ناسپاسی می‌کند ذکر شده است. این امثال از لحاظ الفاظ شباهت کمی با هم دارند، اما از لحاظ معنا کاملاً با هم شباهت دارند. این مثل در زبان عربی به نکته‌ی اخلاقی اشاره دارد که: به تو علف می‌دهم و رویم سرگین می‌اندازی، در زبان کردی اشاره دارد که اگر از چشمه‌ای تنها یک بار هم آب خوردی، سنگ داخل آن پرتاب نکن و اگر نمک خوردی نمکدان را نشکن.

۲۱- أٌخْفِي مِنَ الْمَاءِ تَحْتَ الرَّقَّةِ (میدانی، ۲۰۰۳، ج ۱: ۲۷۹).

- ناوری بن کایه (زارعی، ۲۰۱۰: ۳۲).

- ناوری بن کایه، بۆسۆی لی نایه/ دزی خۆمائی له گرتن نایه (دهبیاغی، ۱۳۹۴: ۳).

- یاخوا له کای کۆن هه‌له‌سته‌تی ناوور/ تا ناوی پیاکه‌ی ده‌یگری زیاتر (دهبیاغی، ۱۳۹۴: ۸۷).

شرح و تحلیل: این امثال به این موضوع اشاره دارند که: انسانی که مانند آب زیر کاه، آتش زیر کاه و فضول است، اسباب فتنه را فراهم می‌کند. این امثال از لحاظ الفاظ، تا حدودی به هم شباهت دارند، اما از لحاظ معنا و مفهوم کاملاً به هم شباهت دارند. در زبان عربی اشاره دارد که: پنهان تر از آب زیر کاه است (فضول و مسبب فتنه) و در زبان کردی اشاره دارد که مانند آتش زیر کاه است. در زبان عربی مثال آب زیر کاه را زده‌اند، اما در زبان کردی مثال زده شده است: مانند آتش زیر کاه است. در امثال عربی و زبان کردی در زیر کاه بودن اشتراک دارند؛ اما در عربی «آب زیر کاه» و در کردی «آتش زیر کاه» اشاره شده است که هم آب و هم آتش بهترین نعمت و بدترین هستند. هم نعمت هستند و هم می‌توانند بلا باشند.

۲۲- إِخْتِمَ بِالطَّيْنِ مَادَامَ رَطْبًا (میدانی، ۲۰۰۳، ج ۱: ۲۸۷)/ أَلَا دَهْ فَلَ دَهْ (همان).

- دوا که‌وتن له کار به‌راستی شه‌رمه/ نانت پی‌وده تا ته‌نوور گه‌رمه (دهبیاغی، ۱۳۹۴: ۱۷۸).

- بیسراوه له ژیر، له خاوه‌ن شعورور/ نانی پی‌وده‌ن تا گه‌رمه ته‌ندوور (همان: ۵۱۵).

- تا ته‌نوور گه‌رمه، نانه‌که‌ی پی‌وده.

- ته‌ندوور تا گه‌رمه نان ده‌برژینی (زارعی، ۲۰۱۰: ۱۸۵).

شرح و تحلیل: این امثال به این موضوع اشاره دارند که: همیشه فرصت‌ها را غنیمت بشمار و نهایت استفاده و بهره‌ی کافی از آن‌ها را ببر تا بیهوده هدر نرود. فرصت‌طلب و وقت‌شناس باش. این امثال از لحاظ الفاظ با هم شباهت چندانی ندارند، اما از لحاظ معنا و مفهوم کاملاً به هم شباهت دارند. در زبان عربی اشاره دارد که: تا گل تر است، بچسپانش/ اگر اکنون انجام ندهی، هیچ‌گاه انجام نمی‌دهی، در زبان کردی اشاره دارد که: تا تنور گرم است نان را بچسپان.

۲۳- إِحْفَظْ بَيْتَكَ مِمَّنْ لَا تَنْشِدُهُ (میدانی، ۲۰۰۳، ج ۱: ۲۳۴)

- دزی مالی ناگیری (زارعی، ۲۰۱۰: ۲۹۴).

- دز و خاوه‌ن مال گه‌ر بینه هاوده‌ست/ گا له روچناوه ده‌ردین بی‌هه‌ست (دهبیاغی، ۱۳۹۴: ۳).

- ناوری بن کایه بۆ سۆی لی نایه/ دزی خۆمائی له گرتن نایه (همان: ۳).

- دز و پاسه‌وان خۆیان رپیک نه‌خه‌ن/ گامیش به کونی بانا سه‌ر نه‌خه‌ن (همان: ۱۳۹۴: ۴۵۱).

شرح و تحلیل: این امثال به این موضوع اشاره دارند که: همیشه هر چیزی که ضربه می‌زند، اگر خودی باشد، نمی‌توان او را گرفت، چون انسان باور ندارد که او هم دستی در این کار دارد. این امثال از لحاظ الفاظ، تا حدودی به هم شباهت دارند، اما از لحاظ معنا و مفهوم کاملاً با هم مشترک هستند. در زبان عربی اشاره دارد، که خانه‌ات

را از آن کس که وصفش نمی‌کنی، حفظ کن و در زبان کُردی اشاره دارد که دزد خانگی را نمی‌توان پیدا کرد؛ چون خودی است و انسان برایش سخت است که به خودی تهمت دزدی بزند.

۲۴- أَخَذَنِي بِأَطِيرِ غَيْرِي. (میدانی، ۲۰۰۳، ج ۱: ۹۵).

- چهن قه‌زای دیزه که‌وتوو له گۆزه/ ره‌ش هر ره‌شه لای ئەم کۆزه (پیره‌می‌رد).

- قه‌زای دیزه که‌وت له گۆزه (زارعی، ۲۰۱۰: ۴۰۱).

- مه‌شهووره ده‌لین خله ده‌کا گان/ بله‌ی چاره ره‌ش ده‌بن بو زیندان (ده‌بی‌اغی، ۱۳۹۴: ۳۱).

شرح و تحلیل: این امثال به این موضوع اشاره دارند، که شخصی مرتکب گناهی یا خطایی می‌شود و شخص دیگری را به جای او توبیخ و شکنجه می‌کنند. این امثال از لحاظ الفاظ شباهت چندانی به هم ندارند، اما از لحاظ معنا و مفهوم کاملاً به هم شباهت دارند. در زبان عربی اشاره دارد که: مرا به خاطر گناه دیگران مؤاخذه می‌کنند، در زبان کُردی اشاره دارد که: درد و بلای ظرف مسی به جان دبه‌ در آمد.

۳- تفاوت امثال عربی و کُردی

از تفاوت‌های عمده‌ی امثال عربی و کُردی این است که اکثر امثال عربی منظوم است، گاه قسمتی از یک بیت شعر و گاه به صورت بیت کامل می‌آیند و گاه در دل یک خطبه از زبان خطیبی ادا شده‌اند، اما امثال کُردی بیشتر به صورت نثر بوده، جدا از چند کتاب که امثال و حکم کُردی را به نظم نوشته‌اند، مانند «پهن‌دی پیشینیان» ملا غفور دباغی و «پهن‌دی پیشینیان» پیرمرد از کتاب‌های مرجع و مهم ادبیات کُردی هستند که ضرب‌المثل‌های آن‌ها بیشتر به صورت نثر مسجع است. در ادبیات عربی برخی از امثال بر وزن «أفعل من» هستند، درحالی‌که چنین چیزی در ادبیات کُردی دیده نمی‌شود.

شخصیت‌های زیادی در امثال عربی وجود دارد مانند «عرقوب»، «حاتم»، «مادر» و... که هر کدام صفت‌های مخصوص خود از بخشندگی و خلف وعده و خسیس بودن و بخل و غیره را دارا هستند. همچنین نام جنگ‌ها و اسامی مبارزان بسیاری در امثال عربی وارد شده است که در امثال کُردی مشابه آن را نداریم. صفت برخی حیوانات که به آن مشهور هستند در امثال عربی و کُردی باهم تفاوت‌هایی دارند و یا هر کدام در جایی دیگر کاربرد خود را دارند مانند کبوتر که در زبان عربی نماد حماقت است، اما در زبان کُردی نماد معصومیت است. نام‌های قبایل و سران قبیله‌های زیادی در امثال عربی به کار رفته که در زبان کُردی کمتر به چشم می‌خورد. در امثال کُردی نام مناطق زیادی آمده که هر کدام به اجناس و کالاهای خاصی مشهور هستند، ولی در زبان عربی بیشتر نام قبیله‌ها ذکر شده است. در مورد امثال و ریشه‌های آن‌ها در زبان عربی کتاب‌های زیادی نوشته شده است و از همان دوران جاهلی یعنی از ۱۵۰ سال قبل از اسلام به جمع‌آوری و ثبت آن‌ها همت گذاشته‌اند و کتاب‌های فراوانی در این حوزه نگاشته شده، ولی ادبیات کُردی مثل عربی پیشینه‌ای طولانی در گردآوری امثال و نوشتن کتاب‌هایی در این حوزه‌ها ندارد. در چند قرن گذشته کتاب‌هایی نوشته شده، ولی به فخامت کتاب‌های عربی نمی‌رسد.

بدیهی است با توجه به تفاوت فرهنگ و محیط زندگی و محدوده‌ی جغرافیایی این دو زبان، تفاوت‌هایی به چشم بخورد. این تفاوت‌ها در امثال و حکم آن‌ها هم دخیل شده است؛ چون ضرب‌المثل‌ها زاینده‌ی نوع تفکر و نگرش و جهان‌بینی آن‌ها است. تفاوت دیگری که می‌توان نام برد این است که بسیاری از امثالی که در ادبیات عربی وجود دارد اقوال بزرگان و گفته‌های آنان است که با گذشت زمان و رواج یافتن آن‌ها به مثل تبدیل شده‌اند، از این نوع امثال در ادبیات کُردی کمتر دیده می‌شود اگر هم وجود دارد تحت تأثیر ملت‌های دیگر به ویژه

عرب‌ها بوده است و آن هم به خاطر اسلام و قرآن و گسترش آن در بین ملت گرد است. بعضی از امثال عربی به روز جنگ و این که کجا اتفاق افتاده‌اند و کدام پیروز شده است اشاره دارد، ولی این امثال در ادبیات کردی کمتر وجود دارد. یکی از تفاوت‌های بارز دیگر در امثال عربی و کردی این است که امثال عربی از اختصار ویژه‌ای برخوردار است، اما امثال کردی در پاره‌ای از موارد کوتاه و گاهی تا حدودی طولانی است.

۴- تشابه امثال عربی و کردی

از آن جایی که اخلاق نیکو در تمام جوامع بشری وجود دارد و خمیره‌ی وجودی همه‌ی انسان‌ها یک چیز است، اما در الفاظ و اصطلاحات تفاوت‌هایی به چشم می‌خورد و لیکن در معنی و مفهوم هدف از آن، همگی یک چیز است. طبیعی است که در فولکلور آن‌ها هم نوعی شباهت و اشتراک وجود داشته باشد، به ویژه در دو جامعه‌ی عربی و کردی که به سبب اسلام و آموزه‌های دینی شباهت‌های فراوانی در بین آن‌ها وجود دارد و این شباهت‌ها می‌تواند نتیجه‌ی تجربه‌ی مشترک آن‌ها باشد. بسیاری از تجربه‌های انسانی همچون غم، شادی، صلح، جنگ و مشکلات روزمره وجود دارد که در بسیاری از موارد این تجربه‌ها هرچند که با زبان‌هایی متفاوت بیان شده، ولی یکسان هستند. نمونه‌ی بارز آن‌ها را می‌توان در فولکلور این دو ملت مشاهده کرد. یکی از قسمت‌های فولکلور امثال و حکمت‌ها هستند که در این حوزه به شباهت‌ها می‌توان رسید.

امثالی که تطبیق داده شده گاهی هم از لحاظ معنایی و هم از لحاظ لفظی با هم شباهت دارند، ولی اکثر امثال از لحاظ معنایی با هم شباهت دارند، اما از لحاظ شکل و الفاظ با هم تفاوت کامل دارند. این یکی از نشانه‌های فرهنگ غنی این دو زبان است، گاهی سخنان بزرگان، از جمله شاعران و نویسندگان که امثالی را بر زبان آورده‌اند تغییراتی در آن انجام شده که هم از لحاظ شکل و فرم و هم از لحاظ اطناب لفظ و هم از لحاظ آرایه‌های بلاغی و صرفی و نحوی، این تغییرات باعث شده که در شکل و فرم تفاوتی رخ داده است، اما از لحاظ معنایی دخل و تصرفی در آن نداشته است. در ضمن، امثال فراوانی هم هستند که با هم هیچ گونه شباهت و اشتراکی ندارند و این نشانگر فرهنگی غنی هر زبانی است.

۵- نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که:

- برخی از امثال در هر زبان عربی و کردی از نظر واژگان و مفهوم یکی هستند.
- برخی از امثال در یکی از دو زبان یاد شده با کمی تفاوت در ساخت و ظاهر واژگان دارای همان معنی در زبان دیگر است.
- بسیاری از امثال کتاب میدانی دارای یک معنا و مفهوم هستند، اما الفاظشان با هم فرق می‌کند؛ چون از کتاب‌های متفاوتی جمع‌آوری شده است. این مسأله هم در کتاب پهن‌دی پیشینیان دیده می‌شود.
- در کتاب مجمع‌الامثال برای بیشتر ضرب‌المثل‌ها ریشه‌ی تاریخی ذکر شده که از کجا نشأت گرفته و یا از زبان چه کسی گفته شده است که در این زمینه خیلی دقیق و کاربردی کار شده است، ولی در امثال کردی چنین چیزی را نمی‌بینیم.
- با توجه به قدمت کتاب مجمع‌الامثال نتیجه می‌گیریم که برخی از ضرب‌المثل‌های مشترک به کار رفته در کتاب پند پیشینیان از این کتاب تأثیر پذیرفته است.

منابع

فارسی:

- احمدی، جمال و کژال فداکار (۱۳۹۴). «نالی و استفاده از امثال و حکم در دیوان»، پژوهشنامه‌ی ادبیات کردی. دوره اول. شماره اول. صص. ۲۵ - ۵۰.
- باقری، محمدتقی (۱۳۹۶). فرهنگ جامع ضرب المثل های موضوعی. تهران: انتشارات محمدتقی باقری.
- پارسا، سید احمد (۱۳۸۲). «سیری در دوازده هزار مثل فارسی و سی هزار معادل آنها» کتاب ماه ادبیات و فلسفه. شماره ۶۵ و ۶۶. صص. ۱۱۸-۱۲۳.
- (۱۳۸۴). «مثل ها از نگاهی نو» مجله رشد آموزش زبان و ادب فارسی. شماره ۷۵. صص. ۴-۱۷.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۸۶). امثال و حکم. چاپ چهاردهم. تهران: امیر کبیر.
- شکوری زاده بلوری، ابراهیم (۱۳۸۰). دوازده هزار مثل فارسی و سی هزار معادل آن. مشهد: آستان قدس رضوی.
- مصطفائی‌راد، نادر، رسول‌نژاد، عبدالله و سید احمد پارسا (۱۳۹۱). پایان‌نامه بررسی تطبیقی امثال عربی و کردی. سندج: دانشگاه کردستان.

کردی:

- دهباغی، مه‌لا غه‌فوور (۱۳۹۴). پهن‌دی پیشینیان. سه‌قز: نه‌ندیشه.
- خال، شیخ محمه‌د (۱۹۷۱). پهن‌دی پیشینیان. به‌غداد: بی‌جا.
- زارعی، ئیسماعیل (۲۰۱۰). فهره‌نگی پهن‌د. هه‌ولیر: کوردستان.
- په‌سول ئیبراهیم، شوکره (۱۹۸۴). پهن‌دی پیشینیان و قسه‌ی نه‌سته‌قی کوردی. به‌غدا: بی‌جا.
- شارباژیری، عوسمان (۱۹۶۹). گلشن. به‌غدا: بی‌جا.
- شاره‌زا، که‌ریم (۱۹۸۳). المثل‌المقارن. به‌غدا: بی‌جا.

عربی:

- جزراوی، احمد (۲۰۰۸). بعض الشائع من المثل الكُردی العربی المقارن. دهوک: مؤسسه سبیریز للطباعة و النشر الكوردیة.
- میدانی، ابوالفضل (۲۰۰۳). مجمع الأمثال. بیروت: مكتبة الهلال.